

چند جمله‌ی ناتمام تقدیم به:

پدر و مادرم

دوستانم

و آنهایی که دوستان دارم.

این نامه را برای شما پست می‌کنم

عباس‌رضایی

فهرست عناوین

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
مقدمه	۷	الیزابت	۴۴
حسرت بزرگ	۹	جستجوهای عقیم	۴۷
دو اسم سرگردان	۱۱	خاطرات گم شده	۴۹
شمارش معکوس باها	۱۳	پاییزها و تقویم‌ها	۵۱
قبرستان	۱۵	بهت تلخ	۵۳
مسافر شفاف	۱۷	شطی از آینه‌ها	۵۵
عروس حسرت	۱۹	سیب سرخ قافیه	۵۷
غزل‌ها	۲۲	یادواره	۵۹
رفیق غزل	۲۴	روبه دیواره، روبه پنجره‌ها	۶۱
حضرت ماه	۲۶	پیامبری مخاطب	۶۳
خاطره	۲۸	نامه	۶۵
تا سرچشمه	۳۱	روزه‌های باد	۶۷
پرسش	۳۳	به دست خط صمیمانه‌ها	۶۹
هذیان	۳۵	خلوت جانکاه	۷۴
لهجی اشراق آمیز	۳۷	بدبختی، دلم، عذاب	۷۸
ناسروده‌ترین غریب فراگستر	۳۹	عاشق، زیبایی، افطار	۷۹
کابوس‌های زرد	۴۲	پیوند، زردی	۸۰

مقدمه

تجربه‌های جوان شعر معاصرگاه آنچنان از پختگی زبانی برخوردار است که مشتاقان اعتلای ادبیات و زبان فارسی را در هیجانی شیرین قرار می‌دهد. خود باوری و شناخت فراگیر شاخصه‌ی ممتاز شعر جوانان شاعری است که مراتب رشد و بالندگی فکری و ذوقی خود را در فضای دل‌انگیز ایران اسلامی به امروز رسانده‌اند.

آنچه در نتیجه‌ی تأثیر نگرش‌های سیاسی مبتنی بر روشنفکری وابسته موجب گسست ذهنی و زبانی نسل‌های شاعر شده بود با فرونشستن غبارهای رنگ، تیرنگ و سوء تفاهم و بر آمدن چهره‌هایی میهنی از متن شعر معاصر از میان پیرخاست و شعر معاصر فارسی در گفتمان نسل‌ها حال و هوایی تازه یافت.

شعر از پایتخت نشینی رهایی یافت و شاعران شهرستانی فرصت ابراز یافتند و درسایه‌سار ایران برای همدی ایرانیان آوازهای شاعرانه از گوشه گوشه‌ی ایران و جهان شنیده شد. دیگر روستا زادگان دانشمند به وزیری پادشاه نرفتند بلکه هر يك به سهم خود مزرعه‌ای از آفرینش بر پا داشتند و محصولات ذهن و ذوق خود را به جای جای کزله‌ی خاکی هدیه کردند تا پایتخت نخواهد که فرزندان شهرستان را در خود گم کند یا از آنها آدمی دیگر بسازد.

نسل سومی‌ها بیشترین سهم را در این رستاخیز ادبی دارند اما نقش ممتاز نسل دوم شعر پس از انقلاب را نباید نادیده گرفت که هم جرأت به میدان آمدن را دامن زدند و هم با ایستادن در مدار پیدایی، نسل پس از خود را به امروز رشد و بالندگی رهنمون شدند.

پرداختن به کم و کیف شکوفایی به دست آمده هر عرصه‌ی شعر و ادب معاصر و به دست دادن نمونه‌های برجسته‌ای از شعر جوانان این سرزمین خود فرصتی فراخ می‌خواهد که در این

مختصر که به بهانه‌های چاپ اولین کتاب شاعر جوان موسیان آقای عباس رضایی به قلم آمده است نمی‌گنجد اما همین قدر می‌توان گفت که اگر شعرهای فراهم آمده در نامه‌ای که عباس رضایی برای همسلانش و مهدی نسل‌هاپست کرده است همی دست آورده‌های شعر پیشرو معاصر را در خود نداشته باشد اما در بخش قابل قبولی از بیت‌ها و مصراع‌های آن می‌توان درخشندگی خاص شعر امروز را به خوبی مشاهده کرد، تعبیرهای برخاسته از اندیشه‌ای شفاف، احساسی زلال و هنری درخور تحسین و تصویرهایی به شدت معاصر.

بجز ملال، غزل‌ها! چه بوده حاصلتان

چه بوده جز کلماتی کبود در دلتان....

چنین که لال و دهان ناگشوده آمده‌اید

سکوت نیز کم آورده در مقابلتان

یا آنجا که با سبک و سیاقی دیگر محور سبز آبی‌ها را برنفسی روشن از آتش معناها در ابهامی شاعرانه می‌نشانند.

با من سخن از من می‌گفت با سبک و سیاقی دیگر

بر محور سبز آبی‌ها آنگونه که یک پیغمبر....

با آنکه به ظاهر خاموش اما نفسی روشن داشت

او آتش معناها بود با صورتی از خاکستر

بی تردید شاعر این مجموعه به سمت فرداهای درخشان‌تر به پیش می‌رود و آینده‌ی شعرو ادب فارسی از او بیشتر خواهد گفت.

ومن التوفیق

خلیل عمرانی «پژمان دیری»

بهار ۱۳۸۴ خورشیدی

تهران